

# پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۶

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال دوم

## مقالات

- دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی
- حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران
- مسؤلیت مدنی در قبال حوادث طبیعی (بررسی تطبیقی مبانی، محدودیت‌ها و رویه قضایی با تأکید بر زلزله)
- فسخ قرارداد کار در حقوق ایران پیش و پس از تصویب قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری
- اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر
- سیستم اطلاعاتی مطمئن در قانون تجارت الکترونیکی
- رویکرد متعارض دولت‌ها به حق تعیین سرنوشت خارجی: بررسی نظریات دولت‌ها در قضیه کوزوو
- ملاحظاتی بر شورای قانون اساسی فرانسه
- «رفتار عادلانه و منصفانه» دولت میزبان با پیمانکاران خارجی
- غرامت در دعاوی ناشی از قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی (غیر از سلب مالکیت)
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و منابع طبیعی مشترک

## موضوع ویژه: حقوق نفت و گاز در نظام ملی و بین‌المللی

- چرا حقوق نفت و گاز؟
- پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان جهانی تجارت
- ثبات قراردادی با تأکید بر نمونه قراردادهای اکتشاف و استخراج نفت
- شرکت‌های نفتی و معضل اعمال حمایت دیپلماتیک توسط ایران
- مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحد آمریکا
- حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن

## نقد و معرفی

- تأملی انتقادی بر لایحه «آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»
- نقد و ارزیابی طرح نمایندگان مجلس جهت انتقال و دوره‌ای کردن مقر سازمان ملل متحد
- اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی





## ملاحظات بر شورای قانون اساسی فرانسه

دکتر علی اکبر گرجی\*

**چکیده:** شورای قانون اساسی یکی از برجسته‌ترین نهادهای ناظر در خانواده کلسنی - اروپایی دادرسی اساسی است. تأسیس این نهاد در سنت حقوقی فرانسه که آغشته به فرهنگ مونتسکیویی مبارزه با حکومت قضات است، با دشواری‌های نظری و عملی فراوانی همراه بوده است. اما واقعیت آن است که نظام‌های حقوقی همراه با جوامع انسانی یکسره در حال تحول‌اند. گرچه، تأسیس شورای قانون اساسی در حقوق اساسی فرانسه خود به مثابه یک انقلاب حقوقی تلقی شد، اما این نهاد در طول حیات پنجاه‌ساله خود انقلاب‌های سترگی را در حقوق اساسی فرانسه رقم زد و در ژوئیه ۲۰۰۸ دست‌پرتوان قوه بنیان‌گذار خود این نهاد را نیز با تحولات بزرگی روبه‌رو ساخت. بی‌تردید، تغییرات ایجاد شده در شورای قانون اساسی، ماهیت دادرسی اساسی در فرانسه را در سال‌های آینده دچار نوعی دگرگونی خواهد کرد. نگارنده در مقاله حاضر می‌کوشد تا نمایی از ساختار، بافتار عضوی، کارکردها، صلاحیت‌ها و رویه‌های شورای قانون اساسی را در اختیار خوانندگان فرزانه قرار دهد.

**کلیدواژه‌ها:** بافت عضوی، کارکرد شورای قانون اساسی، صلاحیت‌ها، نظارت بر اساسی بودن قوانین، نظارت پیشگیرانه، نظارت پسینی

«قانون اساسی برای همگان یکسان است. مجموعه اصول و قواعد اساسی مشترکی بر همگان، اعم از قانون‌گذار، دولت، قاضی یا شهروند عادی، تحمیل می‌شود»<sup>۱</sup>.

## درآمد

با تأسیس شورای قانون اساسی در سال ۱۹۵۸ هم‌اکنون سابقه دادرسی اساسی در فرانسه به نیم قرن می‌رسد. مطالعه تاریخ دادرسی اساسی در فرانسه نشانگر آن است که این اندیشه حتی پیش از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ نیز کم و بیش شناخته شده بود، اما بنا به دلایل گوناگون سیاسی و حقوقی سنت حقوقی این کشور، تا زمان برقراری جمهوری چهارم، نگاه مثبتی به این مقوله نداشت<sup>۲</sup>. پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس جمهوری چهارم در سال ۱۹۴۶ نخستین نهاد پاسدار قانون اساسی تحت عنوان کمیته قانون اساسی تشکیل شد. اما این کمیته تجربه عملی مناسبی از خود برجای نگذاشت. وجود همین اشکالات نظری و عملی مانع از کارآمدی مناسب این کمیته بود. بدین خاطر، با برقراری جمهوری پنجم در قانون اساسی ۱۹۵۸ نهاد نوینی به نام شورای قانون اساسی تأسیس شد و صلاحیت اعمال دادرسی اساسی را بر عهده گرفت. هم‌اکنون، شورای قانون اساسی یا به اصطلاح استاد ژرژ ودل<sup>۳</sup> «دولت قانون اساسی»<sup>۴</sup> را می‌توان یکی از قوی‌ترین و کارآمدترین نهادهای سیاسی و حقوقی فرانسه به شمار آورد که افکار عمومی نیز بر مشروعیت آن مهر تأیید می‌زند<sup>۵</sup>.

## گفتار نخست: بافت عضوی و کارکرد شورای قانون اساسی

### قسمت اول - بافت عضوی

مطابق ماده ۵۶ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، شورای قانون اساسی از ۹ عضو غیردائم و

1. Robert BADINTER et Marceau LONG, *Une seule Constitution, Préface aux actes du colloque: Conseil constitutionnel et Conseil d'Etat*, L.G.D.J., Montchrestien, 1988, p. 29.

2. A.-A. GORDJI, «Regard rétrospectif sur l'histoire de la justice constitutionnelle en France», *Revue juridique*, Université de Nantes, N° 2, 2006, 247-277.

3. Georges VEDEL, cité par P. AVRIL et J. GICQUEL, *Le Conseil constitutionnel*, Paris, Montchrestien, 2e éd., 1993, p. 109.

4. Le gouvernement de la Constitution

«امروزه، قانون اساسی یک اندیشه ناب نیست که در پی تبدیل آن به قاعده حقوقی باشیم. هم‌اکنون، سمبولیسم و نرماتیویسم به نقطه وحدت رسیده‌اند. در روزگار کنونی، نظم حقوقی در سایه اقتدار دادرسی اساسی یا دولت

P. AVRIL et J. GICQUEL, *op. cit.*, p. 109.

قانون اساسی قرار گرفته است».

5. مطابق نظرسنجی انجام شده در سپتامبر ۱۹۸۳ به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تصویب قانون اساسی.

اعضای دائم<sup>۶</sup> تشکیل می‌شود.<sup>۷</sup>

### الف) اعضای دائم

رؤسای جمهور پیشین، اعضای دائم شورای قانون اساسی محسوب می‌شوند. این افراد به صورت خودکار پس از اتمام دوره ریاست جمهوری خود به عضویت شورای قانون اساسی در می‌آیند. حضور اعضای دائم در جلسات شورا اختیاری است و معمولاً در این جلسات شرکت نمی‌کنند. در اوایل دو رئیس جمهور جمهوری چهارم، و نسان اریبول و ژنه کتی، در اجلاس شورا شرکت می‌کردند. در حال حاضر نیز آقایان والرئ ژیسکار دستن<sup>۸</sup> و ژاک شیراک در جلسات شورا شرکت می‌کنند. بنابراین، تاکنون شورا بیشتر جلسات خود را فقط با ۹ عضو غیردائم تشکیل داده است.

برخی از حقوق‌دان‌ها به وجود این گروه عضوی در شورای قانون اساسی نقدهای جانانه‌ای وارد می‌کنند. به عنوان مثال، هانری روسیون در این باره چنین موضع‌گیری می‌کند: پیش‌بینی اعضای دائم در سال ۱۹۵۸ معلول مقتضیات [سیاسی] زمانه بود. گزینش این راهکار بسیار ناراحت‌کننده است، زیرا یادآور سناتورهای مادام‌العمر اوایل جمهوری سوم است ... حذف این گروه عضوی بسیار مطلوب خواهد بود. در عوض می‌توان آنها را به عنوان اعضای مادام‌العمر سنا تعیین کرد.<sup>۹</sup>

حقوق و تکالیف اعضای دائم با حقوق و تکالیف اعضای غیردائم یکسان است. البته، اعضای دائم در مقابل رئیس جمهور سوگند یاد نمی‌کنند.

### ب) اعضای غیردائم

این اعضا برای مدت ۹ سال به عضویت شورای قانون اساسی در می‌آیند. انتصاب آنها توسط مقامات عالی سیاسی کشور صورت می‌گیرد. رئیس جمهور، رئیس مجلس ملی و رئیس مجلس سنا هر کدام سه نفر را برای عضویت در شورا تعیین می‌کنند. ثلث اعضای شورا هر سه سال یکبار تغییر می‌یابند، یعنی هر یک از مقامات دارای حق انتصاب هر سه

6. Membres de droit

7. A.-A. GORDJI, «La composition du Conseil constitutionnel et de Conseil gardien», *Revue iranienne de droit constitutionnel*, N° 1, 2003. 372-421.

8. ایشان پس از کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی در ۲۴ آوریل ۲۰۰۴ یعنی ۲۳ سال پس از پایان (۱۹۸۱) دوره ریاست جمهوری قصد خود را برای شرکت در جلسات شورای قانون اساسی اعلام کردند.

9. H. ROUSSILLON, *Le Conseil constitutionnel*, Paris, Dalloz, 5e éd., 2004, p. 10.

سال یک نفر را به عضویت شورا درمی‌آورند. همین امر مسأله تداوم و تنوع را در بافت عضوی شورا تضمین می‌کند. شورای دولتی در رأی ۹ آوریل ۱۹۹۹ درباره ماهیت حقوقی انتصاب اعضای شورای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور اظهار نظر جالبی کرده است.<sup>۱۰</sup> از نظر این شورا عمل رئیس‌جمهور در انتصاب اعضای شورای یک عمل حاکمیتی<sup>۱۱</sup> است. بنابراین، اعمال انتصاب قابل شکایت در شورای دولتی این کشور نمی‌باشند.

بدین سان، انتصاب اعضای شورای قانون اساسی فرانسه انحصاراً توسط دو قوه مجریه و مقننه انجام می‌گیرد. با وجود این نخست‌وزیر یعنی دومین شخصیت قوه مجریه از این امتیاز محروم است. قوه قضائیه (مقام قضایی<sup>۱۲</sup>) نیز همانند نخست‌وزیر نقشی در تعیین اعضای شورای قانون اساسی فرانسه ندارد. بنابراین، می‌توان گفت، در نظام سیاسی فرانسه روش تعیین اعضای شورای قانون اساسی با برتری سیستماتیک قوه مقننه مشخص می‌شود، زیرا ۶ تن از اعضای آن توسط رؤسای مجالس منصوب می‌گردند. این استدلال با مخالفت‌هایی روبه‌رو شده است<sup>۱۳</sup>:

برتری پارلمان در فرایند تعیین اعضا، جزئی و ناچیز است و علت آن هم این است که می‌گویند رئیس‌جمهور و رئیس مجلس ملی فرانسه در اغلب موارد به یک جریان سیاسی تعلق داشته‌اند. هم‌اکنون در فرانسه راست‌گراها دو قوه مجریه و مقننه را در اختیار دارند.

صلاحیت انتصاب رئیس شورای قانون اساسی فرانسه با رئیس‌جمهور است.

رئیس شورای قانون اساسی فرانسه دارای حق رأی ویژه و متعادل‌کننده است، یعنی در مواردی که آرای اعضا به دو گروه مساوی تقسیم شده باشد رئیس شورا به هر گروه که رأی دهد، رأی آن گروه غالب می‌شود.

بازنگری کلی قانون اساسی در ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸ روند انتصاب اعضای شورای قانون اساسی را با تحولاتی روبه‌رو کرد. مطابق ماده ۵۶ جدید از این پس کمیسیون‌های دائمی صلاحیت‌دار در زمینه انتصابات رئیس‌جمهور و روسای مجالس به نوعی مشارکت خواهند داشت. بدیهی است، اتخاذ این روش، از یک‌سو مشارکت نمایندگان مجالس در مدیریت سیاسی کشور را افزایش داده و از دیگر سوی، نظام سیاسی فرانسه را به نظام سیاسی امریکا نزدیک‌تر ساخته است.

10. CE, 9 avril 1999 Dame Ba, v. J.-P. CAMBY, RDP, 1999, p. 1573.

11. Acte de gouvernement

12. در فرانسه وزیر دادگستری توسط نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد.

13. A.-A. GORDJI, «La justice constitutionnelle, mythe ou réalité: Approche franco-iranienne», thèse de doctorat, Faculté de droit et de sciences politiques de l'Université de Nantes, 2006.

مطابق قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، هیچ الزامی مبنی بر حقوقدان بودن اعضای شورای قانون اساسی وجود ندارد. حتی شرط سواد هم در قانون اساسی ذکر نشده است. اما به رغم الزامی نبودن داشتن تبحر حقوقی برای عضویت در شورا، اکثریت اعضایی که از سال ۱۹۵۹ به عضویت شورا درآمده‌اند، حقوقدان (حرفه‌ای یا دارای تحصیلات حقوقی) بوده‌اند، به گونه‌ای که هشتاد درصد این افراد شرایط لازم را برای کسب سمت قضاوت اداری یا عادی دارا بوده‌اند.

فقدان شرایط فنی و حقوقی برای تعیین اعضای شورای قانون اساسی فرانسه آزادی کاملی را برای مقامات سه‌گانه صاحب صلاحیت انتصاب جهت نصب دوستان سیاسی خود فراهم آورده است.<sup>۱۴</sup> ماده ۱۰ فرمان‌نامه ارگانیک ۷ نوامبر ۱۹۵۸ نیز تنها شرط برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی را برای عضویت در شورا ذکر کرده است. به گفته شارل آزیمن، این امر نشانگر آن است که قوه بنیان‌گذار هیچ شرط دیگری را جز شرایط کلی استخدام عمومی برای عضویت در شورای قانون اساسی لازم ندانسته است.<sup>۱۵</sup>

به گفته لویی فاورو، همانند اعضای دیگر نهادهای دادرسی اساسی، اعضای شورای قانون اساسی نیز دارای گرایش‌های نزدیک به مقام ناصب خویش هستند. اما این اعضا پس از انتصاب از استقلال کاملی برخوردار هستند، زیرا از یکسو، دوره عضویت نه‌ساله آنها قابل تجدید نیست، و از سوی دیگر هیچ مقامی، جز خود شورا<sup>۱۶</sup>، قدرت عزل آنها را ندارد. وانگهی، سن [بالای] اعضا را می‌توان نوعی امتیاز تلقی کرد زیرا آنها را از وسوسه‌ها در امان نگه می‌دارد، هرچند که از جنبه دیگر بالابودن سن می‌تواند نوعی ناشایستگی محسوب شود<sup>۱۷</sup>، زیرا در صورت سنگین بودن وظایف شورا اعضای سالمند به سختی از عهده آن بر می‌آیند.

### ج) تعیین رئیس شورا

رئیس شورا توسط رئیس‌جمهور و از میان اعضای آن منصوب می‌شود. بنابراین، رئیس‌جمهور می‌تواند رئیس شورا را از میان اعضای مادام‌العمر یا اعضای غیردائم انتخاب

14. D. ROUSSEAU, *Droit du contentieux constitutionnel*, Paris, Montchrestien, 2001, 6e éd., p. 38.

15. Ch. EISENMANN; «Palindromes ou stupeur?», *Le Monde*, 5 mars 1959.

16. که فقط در شرایط استثنایی می‌تواند اقدام به عزل اعضا بنماید. در عمل تاکنون چنین امری اتفاق نیفتاده است.

17. Louis FAVOREU, *Les Cours constitutionnelles*, Paris, PUF, 3e éd. mise à jour, 1996 (4e éd. 2004), p.85.

کند. اما رویه عملی نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور همیشه ریاست شورا را از میان اعضای غیردائمی - که خود نصب کرده است - تعیین می‌کند.

### قسمت دوم - کارکرد

قواعد کارکرد و آیین حاکم بر آن توسط یک قانون سازمان دهنده<sup>۱۸</sup> و آیین‌نامه داخلی شورا مشخص شده‌اند. بدینسان، شورای قانون اساسی مسوولیت تنظیم این قواعد را بر عهده دارد، و مطابق رویه شورای دولتی نظارت بر آیین‌نامه داخلی این نهاد امکان‌پذیر نیست. تصمیم‌های شورا، مطابق ماده ۶۲ قانون اساسی، «قابل هیچ‌گونه شکایتی نیستند و بر تمام قوای عمومی و بر تمام مقامات اداری و قضایی تحمیل می‌شوند». در عمل، پارلمان، دولت و دادگاه‌های اداری و قضایی به اعتبار مطلق تصمیم‌های شورای قانون اساسی احترام می‌گذارند.<sup>۱۹</sup>

### گفتار دوم: صلاحیت‌ها<sup>۲۰</sup>

#### قسمت اول: صلاحیت‌هایی غیر از نظارت بر اساسی بودن

##### الف) ترافعات انتخاباتی

شکایت‌های مربوط به مبارزات انتخاباتی یا برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس ملی و مجلس سنا، به ابتکار انتخاب‌شوندگان یا انتخاب‌کنندگان، نزد شورای قانون اساسی مطرح می‌شوند. در انتخابات ریاست جمهوری نیز، شورا در سه مرحله آماده‌سازی انتخابات، برگزاری و اعلام نتایج آن حضور دارد. در قضیه همه‌پرسی نیز شورا در هر سه مرحله آماده‌سازی، برگزاری و اعلام نتیجه مداخله دارد.

##### ب) ترافعات مربوط به روابط قوای عمومی ملی

صلاحیت مداخله در ترافعات مربوط به روابط قوای عمومی ملی صراحتاً به شورای قانون اساسی اعطا نشده است. اما شورا به صورت غیرمستقیم از طریق انجام دیگر وظایف خود

18. Loi organique

19. در زمینه اجرای تصمیمات شورای قانون اساسی، نک:

G. DRAGO, *L'exécution des décisions du Conseil constitutionnel*, Paris, Economica-PUAM, 1990.

20. L. FAVOREU, *Les Cours constitutionnelles*, op. cit., p. 97.

به این مقوله نیز می‌پردازد:

شورا با اعمال صلاحیت‌های اعطایی توسط مواد ۳۴ و ۳۷ قانون اساسی درباره نظارت بر توزیع صلاحیت‌های هنجاری و بودجه‌ای بین قوه مقننه و قوه مجریه به تنظیم و تضمین تعادل میان پارلمان و دولت می‌پردازد. بدینگونه، شورا بر اجرای نظام پارلمانی عقلانی شده<sup>۲۱</sup> نظارت می‌کند. اعمال نظارت خودکار پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۶۱ درباره انطباق آیین‌نامه‌های داخلی مجالس با قانون اساسی و نظارت اجباری درباره قوانین سازمان دهنده نیز باعث تقویت اهداف یادشده می‌شوند.

مداخله شورای قانون اساسی در وضعیت‌های استثنایی برای تضمین کارکرد صحیح قوای عمومی، به‌ویژه برای پیشگیری از خلأ قدرت<sup>۲۲</sup>، و نیز نظارت این شورا بر اساسی بودن قوانین عادی باعث تضمین بیشتر تعادل‌های مختلف مورد نظر قانون اساسی می‌شود.

### ج) تضمین تعادل بین دولت و واحدهای محلی

آشکار است که مقوله تضمین تعادل بین دولت و واحدهای محلی در دولت-کشورهای تک پارچه مانند فرانسه مشابه با دولت-کشورهای فدرال نیست. با وجود این، از آنجایی که نظارت بر تعریف هنجاری توزیع صلاحیت‌ها<sup>۲۳</sup> بر عهده شورای قانون اساسی است، این شورا کارویژه مهمی را در این زمینه انجام می‌دهد.

### د) نظارت بر ورود هنجارهای بین‌المللی به نظم حقوقی داخلی

مطابق ماده ۵۴ قانون اساسی، هر معاهده بین‌المللی که به تصویب<sup>۲۴</sup> یا تأیید<sup>۲۵</sup> رسیده باشد، می‌تواند به منظور بررسی مطابقت آن با قانون اساسی توسط یکی از مقامات چهارگانه (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس ملی و رئیس سنا) به شورای قانون اساسی ارجاع شود. در صورت اعلام عدم مطابقت معاهده ارجاع شده به شورا، تصویب آن بدون بازنگری در قانون اساسی امکان‌پذیر نخواهد بود. در چنین صورتی، با توجه به دشواری انجام بازنگری در قانون اساسی بخت تصویب معاهده مغایر با آن پایین می‌آید، مگر آنکه اجماع کافی برای تغییر قانون اساسی وجود داشته باشد. یادآور می‌شود که از سال ۱۹۸۰ بعد نظارت شورا می‌تواند با ارجاع ۶۰ نفر از نمایندگان سنا یا مجلس ملی انجام شود.

21. Le système parlementaire rationalisé

22. Vacance du pouvoir

23. La définition normative du partage des compétences

24. ratification

25. Approbation



## قسمت دوم - نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی

### الف) نظارت پیشگیرانه

شورای قانون اساسی، علاوه بر آیین‌نامه‌های داخلی مجالس و معاهدات بین‌المللی، می‌تواند بر قوانین سازمان دهنده و عادی نیز اعمال نظارت نماید.

#### ۱. مقامات سیاسی برخوردار از حق شکایت

حق شکایت پیشگیرانه منحصرأ به مقامات سیاسی تعلق دارد. مطابق ماده ۴۶ قانون اساسی، قوانین سازمان دهنده با ارجاع نخست‌وزیر تحت نظارت اجباری شورای قانون اساسی قرار می‌گیرند. نخست‌وزیر در زمینه ارجاع این دسته از قوانین به شورا دارای صلاحیت مقید<sup>۲۶</sup> (تکلیفی) است.

درباره قوانین عادی، در آغاز فقط رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس مجلس ملی و رئیس سنا می‌توانستند طرح شکایت نمایند. این مقامات چهارگانه در عمل از حق خود استفاده قابل توجهی نکردند. به همین خاطر، توسعه نظارت اساسی بسیار ضعیف بود. بازنگری قانون اساسی در سال ۱۹۷۴ و اعطای حق طرح شکایت به اقلیت پارلمانی گام بسیار قاطعانه‌ای برای برطرف کردن نقیصه یاد شده بود. پس از این بازنگری، تعداد شکایت‌ها به صورت قابل توجهی افزایش یافت. در حالی که از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۴ شورا تنها ۹ تصمیم صادر کرده بود، از سال ۱۹۷۴ تا سال ۱۹۹۶ تعداد این تصمیم‌ها به ۲۲۴ مورد افزایش یافت.

#### ۲. زمان طرح شکایت

زمان طرح شکایت توسط خود قانون اساسی معین شده است. مطابق این قانون، شکایت از قوانین سازمان دهنده و عادی پیش از انتشار آنها، و شکایت از معاهدات بین‌المللی قبل از تصویب یا تأیید آنها صورت می‌گیرد.

#### ۳. هنجارهای مرجع (منابع نظارت)

هنجارهای مرجع هنجارهای موجود در قانون اساسی می‌باشند، اما مقررات این قانون بیشتر مربوط به سازمان‌دهی و کارکرد قوای عمومی است، و کمتر به حقوق و آزادی‌های بنیادین

می‌پردازند. اگر دادرسی اساسی، خود را تنها به مواد قانون اساسی محصور می‌کرد، نظارت بر اساسی بودن کمتر توسعه می‌یافت. اما شورای قانون اساسی در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ با اتخاذ چهار تصمیم راهبردی و اعطای اعتبار حقوقی<sup>۲۷</sup> به مقدمه قانون اساسی<sup>۲۸</sup> منجر به ایجاد یک انقلاب واقعی<sup>۲۹</sup> در حقوق فرانسه شد. بدین ترتیب، اعلامیه حقوق بشر و شهروند<sup>۳۰</sup> ۱۷۸۹، دیباچه ۱۹۴۶ و اصول بنیادین شناخته شده توسط قوانین جمهوری<sup>۳۱</sup> از اعتبار حقوق موضوعه<sup>۳۲</sup> برخوردار شدند.

### ۱-۳. اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹

پیش از این، شورای دولتی، متن اعلامیه حقوق بشر را به عنوان یک منبع الهام‌بخش برای استخراج اصول کلی حقوق<sup>۳۳</sup> در نظر می‌گرفت. اما شورای قانون اساسی برای نخستین بار در تصمیم مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۳ یکی از مقررات قانونی را به خاطر مخالفت با اعلامیه ۱۷۸۹ باطل اعلام نمود. پس از آن، اعلامیه یادشده بارها مورد استناد شورای قانون اساسی قرار گرفته است.

### ۲-۳. دیباچه قانون اساسی ۱۹۴۶

دیباچه ۱۹۴۶ نیز به یکی از مقررات حقوق موضوعه تبدیل شده است. شورای قانون اساسی نخستین بار در تصمیم مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۷۵ به این دیباچه استناد نموده است. دیباچه ۱۹۴۶ دو دسته از عناصر را دربرمی‌گیرد: اصول بنیادین شناخته شده توسط قوانین جمهوری و حقوق و اصول جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ضروری برای عصر ما<sup>۳۴</sup>، مانند حق بر بهداشت، حق مسکن، حق اعتصاب و ...

### ۳-۳. اصول بنیادین شناخته شده توسط قوانین جمهوری

اصول بنیادین شناخته شده توسط قوانین جمهوری برای نخستین بار در تصمیم ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۱ (مربوط به آزادی تشکیل‌یابی<sup>۳۵</sup>) به عنوان هنجار اساسی<sup>۳۶</sup> در نظر گرفته شدند. شورا

27. La valeur juridique

28. Le Préambule de la Constitution

29. Une véritable Révolution

30. La Déclaration des droits de l'homme et du citoyen du 26 août 1789

31. Les principes fondamentaux reconnus par les lois de la République

32. Le droit positif

33. Les principes généraux du droit

34. Les principes politiques, économiques et sociaux particulièrement nécessaires à notre temps

35. La liberté d'association

36. Une norme constitutionnelle

این اصول را از قوانین لیبرال بزرگ جمهوری [های سابق]، به‌ویژه جمهوری سوم، استخراج می‌کند. این قوانین اصول مهمی چون آزادی تشکلیابی، آزادی آموزش<sup>۳۷</sup> و ... را به رسمیت شناخته بودند.

#### ۴- انواع تصمیم‌های شورای قانون اساسی

##### ۴-۱. تصمیم‌های ابطال

تصمیم‌های ابطال، بی‌هیچ مشکلی از اعتبار امر مختوم بها (پیش‌بینی شده در ماده ۶۲ قانون اساسی) برخوردار می‌باشند. در مجموع، قوای عمومی تصمیم‌های ابطال را همیشه با دقت به اجرا گذاشته‌اند. البته، مقامات قضایی و اداری به صورت مستقیم با نتایج تصمیم‌های ابطال درگیر نیستند.

##### ۴-۲. تصمیم‌های رد

تصمیم‌های رد را می‌توان دو دسته دانست: تصمیم رد به خاطر غیرقابل طرح بودن شکایت<sup>۳۸</sup> و تصمیم انطباق<sup>۳۹</sup>. تعداد تصمیم‌های رد به خاطر غیرقابل پذیرش بودن دعوا بسیار نادر است و نیازی به تفصیل خاص ندارند. تصمیم‌های انطباق پس از بررسی ماهوی ایرادات قانون اساسی مطرح شده در شکوائیه و رد آنها صادر می‌شود. دادرسی اساسی، در این تصمیم‌ها، به صدور نوعی پروانه انطباق<sup>۴۰</sup> می‌پردازد و با چنین مجوزی است که قانون می‌تواند به مرحله انتشار برسد.

تصمیم‌های انطباق مشروط<sup>۴۱</sup> می‌توانستند چهره ابطال به خود گیرند، اما شورای قانون اساسی، بیش از پیش ترجیح می‌دهد تا با ارائه تفاسیر سازنده<sup>۴۲</sup>، تفاسیر خنثاکننده<sup>۴۳</sup> و تفاسیر ارشادی<sup>۴۴</sup> قوانین مورد اعتراض را با قانون اساسی منطبق گرداند.

37. La liberté d'enseignement

38. Décision de rejet pour irrecevabilité

39. Décision de conformité

40. Un brevet de conformité

41. Décision de conformité sous réserve

42. Interprétation constructive

43. Interprétation neutralisante

44. Interprétation directive

## ب) نظارت پسینی

## ۱- نظارت پسینی از طریق قانون‌زدایی

پیش از بازنگری قانون اساسی در ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸ اصولاً طرح شکایت پسینی علیه قوانین نزد شورای قانون اساسی، دادگاه‌های اداری یا محاکم عمومی ممکن نبود. البته، استثنای بسیار محدود، ولی غیرقابل تردیدی، در این مورد وجود داشت: بر مبنای بند ۲ ماده ۳۷ قانون اساسی، مقررات قانونی می‌توانند توسط شورای قانون اساسی به صورت کلی یا جزئی دچار قانون‌زدایی<sup>۴۵</sup> بشوند. این صلاحیت شورای قانون اساسی با نظام تفکیک قلمرو قانون و آیین‌نامه<sup>۴۶</sup> (مواد ۳۴ و ۳۷ قانون اساسی) در ارتباط است. به لحاظ نظری، برخی از موضوعات در حوزه صلاحیت قانون‌گذاری جای گرفته و برخی دیگر در قلمرو صلاحیت آیین‌نامه‌ای قرار می‌گیرند. بدینسان، هنگامی که قانون به اشتباه وارد حوزه آیین‌نامه می‌شود و در یکی از موضوعات آیین‌نامه‌ای به وضع قاعده می‌پردازد، دولت نیز می‌تواند درباره آن موضوع به وضع آیین‌نامه بپردازد، مشروط بر آنکه پیشاپیش اشتباه قانون‌گذار را نزد شورای قانون اساسی به اثبات رسانده باشد<sup>۴۷</sup>.

## ۲- نظارت پسینی از طریق ارجاع دیوانعالی کشور و شورای دولتی

پیش از بازنگری قانون اساسی در ۲۰۰۸ شهروندان فرانسوی تنها در چارچوب دعاوی انتخاباتی حق طرح شکایت در شورای قانون اساسی را داشتند. اما بازنگری ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸ - که به ابتکار نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهور راست‌گرای فرانسه انجام شد<sup>۴۸</sup> - می‌تواند به آرزوی بسیاری از حقوقدان‌ها و سیاستمداران فرانسوی در زمینه ایجاد امکان

45. La délégalisation

46. La répartition des compétences entre loi et règlement

47. L. FAVOREU, Les Cours constitutionnelles, *op. cit.*, p. 90.

۴۸. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اقداماتی برای تحقق دسترسی شهروندان به دادرسی اساسی صورت گرفته بود. در سال ۱۹۹۰ فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، لایحه بازنگری قانون اساسی را به سنا تقدیم کرد که با مخالفت این مجلس روبه‌رو شد. همین پروژه در سال ۱۹۹۳ توسط کمیته‌ای که به ابتکار فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، به ریاست ژرژ ودل تشکیل شد، بازتولید شد. یکی از پیشنهادهای کمیته ودل تأسیس سازوکار مشهور به *استثنای اساسی نبودن* برای پاسداری از حقوق بنیادین بود. این پیشنهاد و دیگر پیشنهادهای مشابه هرگز توفیق ورود به حقوق موضوعه فرانسه را پیدا نکردند. در این زمینه، نک:

H. ROUSSILLON, *op. cit.*, p. 95 etc.G. CONAC et D. MAUS, *L'exception d'inconstitutionnalité*, STH, 1990.DEUXIEME CONGRES de l'Association des Cours Constitutionnelles ayant en Partage l'Usage du Français, *L'accès au juge constitutionnel: modalités et procédures*, Libreville, 2000.

دسترسی شهروندان به شورای قانون اساسی جامه عمل بپوشاند. مطابق بند یک ماده ۶۱ اصلاحی، «هنگامی که در جریان یک دعوا در محکمه‌ای آشکار شود که حقوق و آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی توسط یک مقرر قانونی مورد خدشه قرار گرفته است، شورای قانون اساسی می‌تواند با ارجاع دیوانعالی کشور و شورای دولتی، به این موضوع رسیدگی کرده و در مهلتی معین حکم لازم را صادر نماید. قانون سازمان‌دهنده، شرایط اجرای این ماده را معین خواهد کرد».

چنان که مشاهده می‌شود، قلمرو حقوق شهروندان در این ماده چندان روشن نیست. به دیگر سخن، قوه بنیان‌گذار ثانوی (کنگره) در اعطای صلاحیت نظارت پسینی بر هنجارهای قانونی با احتیاط بسیار برخورد کرده است، زیرا به صورت صریح حق طرح ایراد اساسی نبودن<sup>۹</sup> را به شهروندان عادی اعطا نکرده است.<sup>۵۰</sup> با وجود این، نحوه نگارش بند یک ماده ۶۱ اصلاحی چنان است که راه اعطای چنین حقی را به شهروندان باز می‌گذارد، زیرا از یک سو، قوه بنیان‌گذار ثانوی، صلاحیت ارجاع ایراد اساسی نبودن را به عالی‌ترین مراجع دادرسی اداری و دادرسی عادی اعطا کرده است. این امر بدان معناست که ممکن است چنین ایرادی در مراحل رسیدگی‌های مقدماتی و تجدیدنظر مطرح شود و مراجع عالی استیناف (شورای دولتی و دیوانعالی کشور) در مرحله نهایی درباره ارجاع یا عدم ارجاع ایراد اساسی نبودن حکم لازم را صادر نمایند. از سوی دیگر، قسمت اخیر ماده ۶۱ تعریف شرایط اجرای این ماده را به یک قانون سازمان‌دهنده حواله می‌دهد. قانون‌گذار سازمان‌دهنده ممکن است در تبیین نحوه اجرای این ماده حق طرح ایراد اساسی نبودن را به شهروندان عادی اعطا کند. البته، اعطای این حق به شهروندان فرانسوی، در حال حاضر، شورای قانون اساسی را با دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد کرد زیرا بافت عضوی، ساختار اداری و آیین دادرسی شورا نمی‌تواند پاسخگوی حجم عظیمی از دعاوی مطروحه باشد. بدین ترتیب، در صورت اعطای حق طرح ایراد اساسی نبودن به شهروندان ممکن است ساختار اداری و آیین رسیدگی شورای قانون اساسی دچار تحولاتی بشود.

۴۹. همچنان که در ایالات متحد آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی وجود دارد.

50. Marthe FATIN-ROUGE STEFANINI, «Réforme des institutions: de nouveaux droits pour les citoyens?», <http://www.bfdc.org/>, visité le 1/08/2008.

### گفتار سوم: رویه شورای قانون اساسی<sup>۵۱</sup>

به عنوان مثال، در برش زمانی ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۶ تعداد تصمیم‌های شورا ۲۱۵۱ مورد بوده است: ۱۵۷۴ تصمیم درباره نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی، ۳۱۰ تصمیم درباره نظارت بر قوانین، ۱۱ تصمیم درباره طرح‌های قانونی، ۵۴ تصمیم درباره آیین‌نامه مجالس، ۵ تصمیم درباره معاهدات بین‌المللی، ۱۷۷ تصمیم درباره قانون‌زدایی، ۱۲ تصمیم درباره نظارت بر ممنوعیت جمع مشاغل<sup>۵۲</sup>، ۸ تصمیم درباره لغو سمت نمایندگی در پارلمان<sup>۵۳</sup>. بدیهی است با تحولات جدید ایجاد شده در حقوق اساسی فرانسه، پیش‌بینی می‌شود کمیت و کیفیت تصمیم‌های شورای قانون اساسی با تغییراتی روبه‌رو شود. هرچند که دامنه این تغییرات، در حال حاضر<sup>۵۴</sup>، چندان روشن نیست، اما رویکرد خود شورای قانون اساسی و قوانین سازمان دهنده جدید ابهامات کنونی ناشی از بازنگری قانون اساسی را برطرف خواهند کرد.

### قسمت اول - تحول آفرینی در حقوق فرانسه

داده‌های بنیادین حقوق فرانسه با رهاوردهای جدید شورای قانون اساسی مرتباً پررنگ می‌شوند<sup>۵۵</sup>:

#### الف) نظریه منابع

نظریه منابع<sup>۵۶</sup> حقوقی تحول عمیقی یافته است. تصویر منابع هنجاری کنونی، بیش از پیش با جمهوری‌های سوم و چهارم متفاوت می‌شود، زیرا منبعی به نام قانون اساسی<sup>۵۷</sup> قبل از جمهوری پنجم فاقد اهمیت کنونی بوده است. این تصویر حتی با تصویر [ابتدائاً] طراحی شده برای جمهوری پنجم نیز متفاوت است، زیرا در حال حاضر منبع قانون<sup>۵۸</sup> اهمیت برجسته‌تری نسبت به منبع آیین‌نامه‌ای<sup>۵۹</sup> پیدا کرده است.

51. L. FAVOREU, Les Cours constitutionnelles, *op. cit.*, p. 90.

52. Le contrôle des incompatibilités

53. Le prononcé de déchéances de parlementaires

54. مرداد ماه ۱۳۸۷ مصادف با اوت ۲۰۰۸

55. L. FAVOREU, Les Cours constitutionnelles, *op. cit.*, p. 91.

56. La théorie des sources

57. La source constitutionnelle

58. La source législative

59. La source réglementaire

**ب) اصل نظارت بر اساسی بودن**

اصل نظارت بر اساسی بودن<sup>۶۰</sup> به معنای تبعیت تمام مقامات از قواعد حقوقی<sup>۶۱</sup> (به‌ویژه قواعد قانون اساسی) به تدریج مورد تأیید قرار گرفته است. امروزه، با اعمال نظارت شورای قانون اساسی، قانون‌گذار نیز تابع قواعد حقوقی است. شورای قانون اساسی در تصمیم ۱۶ ژانویه ۱۹۸۲ این مطلب را رسماً مورد تأیید قرار داده است.

**ج) رده‌بندی هنجارها**

نظام رده‌بندی هنجارها<sup>۶۲</sup> در اثر نفوذ رویه‌های شورای قانون اساسی غنی‌تر و پیچیده‌تر شده است.

**قسمت دوم - حمایت از آزادی‌ها و حق‌های بنیادین<sup>۶۳</sup>**

بازنگری قانون اساسی در ژوئیه ۲۰۰۸ بی‌تردید بستر مناسب‌تری را برای پاسداری کارآمدتر از حقوق و آزادی‌های فردی و گروهی توسط دادرسی اساسی فرانسوی فراهم خواهد آورد. هرچند که رویه شورای قانون اساسی نشانگر آن است که این نهاد حقوقی برجسته هیچ‌گاه منتظر بازنگری قانون اساسی نمانده و با تفاسیر آفرینشگرانه خود نمونه‌های بسیار شگفت‌انگیزی را در پاسداری از آزادی‌ها و حقوق بنیادین به دست داده است:

**الف) اصل برابری**

اصل برابری که نخستین بار در تصمیم<sup>۶۴</sup> ۲۷ دسامبر ۱۹۷۳ مورد اجرا قرار گرفت، بیش از صدها بار مورد استناد شورای قانون اساسی قرار گرفته و بارها باعث صدور تصمیم‌های ابطال قوانین شده است. مسأله تجاوز به اصل برابری تقریباً در همه شکایت‌های مطرح شده در شورای قانون اساسی به چشم می‌خورد.

قانون‌گذار باید به اصل برابری، چه درباره اشخاص حقیقی و چه درباره اشخاص حقوقی حقوق خصوصی (مانند سندیکاها و شرکت‌ها) یا حقوق عمومی (مؤسسات عمومی یا واحدهای محلی)، احترام گذارد.

60. Le principe de constitutionnalité

61. La règle de droit

62. La hiérarchie des normes

63. Les droits fondamentaux

64. La décision Taxation d'office

**ب) سیاهه آزادی‌های کلاسیک مورد حمایت**

سیاهه آزادی‌های کلاسیک<sup>۶۵</sup> مورد حمایت قانون اساسی، مانند اصول بنیادین حقوق کیفری یا آیین دادرسی کیفری<sup>۶۶</sup> هر ساله بلندتر می‌شود. حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز مورد توجه شورای قانون اساسی قرار می‌گیرند.

**ج) محدودیت آزادی‌ها**

از دیدگاه دادرسی اساسی، هیچ‌یک از حقوق بنیادین، مطلق نیستند. گاه، لزوم ایجاد سازگاری بین حقوق بنیادین متضاد باعث محدود ساختن برخی از آنها می‌شود. وانگهی، از دیدگاه شورای قانون اساسی (۱۸ ژانویه ۱۹۸۵)، پاسداشت آزادی‌ها و استقلال محلی نباید منجر به تفاوت‌گذاری در اعمال یک حق بنیادین گردد، زیرا این حق باید در تمام سرزمین ملی اثر یکسانی داشته باشد.

**گفتار چهارم: تأثیر بر نظم حقوقی و سیاسی<sup>۶۷</sup>****قسمت اول - تأثیر بر نظم حقوقی****الف) تحول مشهود**

تحول آفرینی رویه‌های شورای قانون اساسی در قلمرو حقوق عمومی و حتا حقوق خصوصی آشکار است. در حقیقت، رویه شورای قانون اساسی در حال از بین بردن تفکیک کلاسیک حقوق عمومی و حقوق خصوصی است. شورا این کار را از طریق ایجاد یک بنیان مشترک<sup>۶۸</sup> برای همه شاخه‌های حقوق انجام می‌دهد. در حقیقت، ایجاد این بنیان مشترک را باید به منزله ایجاد یک حقوق اساسی که دارای کارویژه‌های اصیل یک حقوق پایه‌ای<sup>۶۹</sup> است، قلمداد کرد.

**ب) مقاومت در برابر تحولات حقوقی**

تحقق انقلاب حقوقی<sup>۷۰</sup> با موانع و مقاومت‌هایی روبه‌رو است. محدودیت نخست، به

65. Les libertés classiques

66. *Voir les grandes décisions*, 6e éd., n° 35.

67. L. FAVOREU, *Les Cours constitutionnelles*, *op. cit.*, p. 92.

68. Un soubassement commun

69. Les fonctions originelles de droit fondamental

70. La révolution juridique



ویژگی‌های سامانه نظارت بر اساسی بودن مربوط می‌شود. از یک‌سو، این سامانه به خاطر وجهه پیشگیرانه آن باعث توجه واقعی و فوری قانون‌گذار به هنجارهای اساسی می‌شود، اما از سوی دیگر، به خاطر ناتوانی دادرس اساسی در نظارت بر اجرای تصمیم‌های خود توسط قضات محاکم عمومی، نمی‌توان از اجرای واقعی این تصمیم‌ها اطمینان حاصل نمود. محدودیت دوم مربوط به حالتی است که قانون بین عمل یا موقعیت مورد قضاوت و قانون اساسی پرده می‌افکند<sup>۷۱</sup>، به نحوی که دادرس عادی یک قانون مغایر با قانون اساسی را مرجح می‌شمارد. چنین حالتی هم برای دادرس اداری و هم برای دادرس عادی پیش می‌آید. علت ایجاد این حالت را باید در این اصل جستجو کرد که دادرس اداری و دادرس عادی نمی‌توانند به ارزیابی اساسی بودن یک قانون بپردازند یا آن را به دادرس اساسی ارجاع دهند. اما وضعیت امور در حال تغییر است.

### قسمت دوم - تأثیر بر نظم سیاسی<sup>۷۲</sup>

#### الف) خودداری شورا از اعمال قدرت سیاسی

شورای قانون اساسی بارها یادآور شده است که به اعمال قدرت سیاسی نمی‌پردازد و قانون اساسی هم به او «یک صلاحیت کلی ارزیابی و صلاحیت تصمیم‌گیری به سان پارلمان»<sup>۷۳</sup> به وی اعطا نکرده است. شورای قانون اساسی مجلس سوم<sup>۷۴</sup> نیست.

#### ب) آثار مداخله شورا

آثار مداخله شورای قانون اساسی در زندگی سیاسی متنوع است، اما همه آنها از منطق واحدی پیروی می‌کنند:

نظارت اعمال شده توسط شورای قانون اساسی باعث صلح‌آمیز شدن زندگی سیاسی شده است. این مسأله در موارد متعددی به اثبات رسیده است در این حالت‌ها، التهابات سیاسی پس از صدور نظریه شورای قانون اساسی فروکش کرده‌اند. علت اینکه نظارت بر اساسی بودن می‌تواند به صلح‌آمیز کردن زندگی سیاسی و فروخواباندن التهابات بپردازد،

71. La loi fait écran entre l'acte ou situation à juger et la Constitution.

72. L. FAFORÉU, *La politique saisie par le droit, alternance, cohabitation et Conseil constitutionnel*, Paris, Economica, 1988.

73. «Un pouvoir général d'appréciation et de décision identique à celui du Parlement».

74. La troisième chambre

این است که گروه‌های اقلیت مخالف<sup>۷۵</sup> با استفاده از ابزار طرح شکایت علیه مصوبات پارلمان مطمئن می‌شوند که اکثریت حاکم حدود مقرر در قانون اساسی را زیر پا نگذاشته است. در این راستا باید متذکر شد که وجود و کارکرد شورای قانون اساسی در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۲ جریان گردش قدرت را تسهیل و تجویز نموده است. در حقیقت، شورا به صورت مستقیم، از طریق تصمیم‌های خود، یا به صورت غیرمستقیم، از طریق خود محدودسازی<sup>۷۶</sup> گروه اکثریت به خاطر بیم از سانسور وی، قاعده‌مندی فرایند گردش قدرت سیاسی را تضمین کرده است. شورای قانون اساسی، این مهم را با هدایت و جهت‌دهی به اصلاحات قابل انجام و روشن کردن راهکارهای مجاز و غیرمجاز برای گروه اکثریت به سرانجام می‌رساند.<sup>۷۷</sup>

### فهرست منابع

1. BADINTER, Robert et Marceau LONG, Une seul Constitution, Préface aux actes du colloque: Conseil constitutionnel et Conseil d'Etat, L.G.D.J., Montchrestien, 1988
2. CE, 9 avril 1999 Dame Ba, v. J.-P. CAMBY, RDP, 1999
3. CONAC, G. et D. MAUS, L'exception d'inconstitutionnalité, STH, 1990
4. DEUXIEME CONGRES de l'Association des Cours Constitutionnelles ayant en Partage l'Usage du Français, L'accès au juge constitutionnel: modalités et procédures, Libreville, 2000
5. DRAGO, G., L'exécution des décisions du Conseil constitutionnel, Paris, Economica-PUAM, 1990
6. EISENMANN, Ch.; «Palindromes ou stupeur?», Le Monde, 5 mars 1959
7. FAVOREU, L., La politique saisie par le droit, alternance, cohabitation et Conseil constitutionnel, Paris, Economica, 1988
8. FATIN-ROUGE STEFANINI, Marthe, «Réforme des institutions: de nouveaux droits pour les citoyens?», <http://www.bfdc.org/>
9. FAVOREU, L., Le Conseil constitutionnel, «Que sais-je?», Paris, PUF, 6e éd., N° 1724, 2002
10. FAVOREU, Louis, Les Cours constitutionnelles, Paris, PUF, 3e éd. mise à jour, 1996 (4e éd. 2004)
11. GORDJI, A.-A., «La composition du Conseil constitutionnel et de Conseil gardien», Revue iranienne de droit constitutionnel, N° 1, 2003. 372-421
12. GORDJI, A.-A., «La justice constitutionnelle, mythe ou réalité: Approche franco-iranienne», thèse de doctorat, Faculté de droit et de sciences politiques de l'Université de Nantes, 2006
13. GORDJI, A.-A., «Regard rétrospectif sur l'histoire de la justice constitutionnelle en France», Revue juridique, Université de Nantes, N° 2, 2006. 247-277
14. ROUSSEAU, D., Droit du contentieux constitutionnel, Paris, Montchrestien, 2001, 6e éd.
15. ROUSSILLON, H., Le Conseil constitutionnel, Paris, Dalloz, 5e éd., 2004
16. VEDEL, Georges, cité par P. AVRIL et J. GICQUEL, Le Conseil constitutionnel, Paris, Montchrestien, 2e éd., 1993
17. Voir les grandes décisions, 6e éd., n° 35

75. Opposition

76. Autolimitation

۷۷. برای مطالعه عمیق‌تر پیرامون شورای قانون اساسی، نک:

L. FAVOREU, *Le Conseil constitutionnel*, «Que sais-je?», Paris, PUF, 6e éd., N° 1724, 2002.

# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VIII, No. 2

2009-2

## Articles

- Access to Legal Assistance in Police Investigations
- The Right of Buyer for Deficiencies of Goods
- Civil Responsibility Concerning Natural Incidents
- Revocation of Labor Contract according to the Law of Iran
- The Extra-territoriality of the International Covenant on Civil and Political Rights
- Secured Information System in Electronic Commerce Law
- Contradictory Approaches to the Right of Self Determination
- Some Considerations on the Constitutional Council of the French Republic
- "Fair and Just" Treatment of the Host State concerning the Foreign Investment Contracts
- Compensation for the Breach of Foreign Investment Contracts
- The UN International Law Commission and the Common Natural Resources

## Special Issue: Oil and Gas Law in National and International Systems

- The Companionship of the Energy Sector and WTO Regulations: Facts, Challenges and Prospects
- Stabilization Clause in the Sample Contracts of Detection and Derivation of Petroleum
- Oil Companies in Iran and the Problem of Diplomatic Protection
- Private Ownership in the Case of Oil and Gas Resources under the USA Law
- Investment Dispute Settlement in Energy Charter Treaty (ECT) and Legal effects of Iran's Accession thereto

## Critique and Presentation

- A Critical Analysis of 'The Procedure Act of the Administrative Court of Justice'
- Some Critics on the Parliament's Draft Concerning Change of the UN's Headquarter
- Copenhagen Conference (2009) and Combating the Climate Change

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study